

اقتصادی و سیاسی تعیین گردیده است و شیوه محاسبات حداقل دستمزد، به مثابه امری محرمانه، دور از دسترس کارشناسان قرار دارد. کاهش متوسط دستمزد واقعی طی دو دهه اخیر بیانگر آن است که تشکل های کارگری در ایران از حفظ درآمد واقعی کارگران ناتوان بوده اند. تنها در سال ۱۳۵۸ حداقل دستمزد به نحو قابل توجهی جهش پیدا کرده و از ۲۱۵ ریال در روز به ۵۶۷ ریال افزایش یافته است. این موضوع نیز نشانه سهم قابل توجه طبقه کارگر در پیروزی انقلاب و قدرت تشکل های کارگری در سال های آغازین انقلاب می باشد.

با آغاز جنگ و اعمال سیاست های انقباضی از سوی دولت موسوی، افزایش حداقل و متوسط دستمزد متوقف گردید. در زمان جنگ تلاش می شد که از طریق اعطای کمک های جنسی، پائین بودن دستمزدها تا حدی جبران گردد. به دلیل ثابت ماندن دستمزدهای اسمی در طول سالهای جنگ، تورم بخش مهمی از دستمزدها را بلعید. به نحوی که در سال ۱۳۶۸ حداقل دستمزد واقعی کمتر از حداقل دستمزد واقعی در سال ۱۳۲۷ گردید. از سال ۱۳۶۹ به بعد در پی پایان یافتن جنگ و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی، حداقل دستمزد همه ساله تعدیل شد، ولی به دلیل شکاف عمیق میان حداقل دستمزد و هزینه های زندگی در طول سال های ۶۷-۱۳۵۹ افزایش حداقل دستمزد در سال های پس از جنگ نیز نتوانست حداقل دستمزد قانونی را با هزینه سبب مصرفی یک خانواده چهار نفره کارگری منطبق نماید.



نوشین نوع پرست

## قانون تعیین حداقل دستمزد

## معیاب کاستی ها

قصر مو، اولی موسسه ترمیم مو در ایران و خاورمیانه



به مدیریت: وارطان

توسیه قصر مو به مراجعین محترم:

قبل از مراجعه، حتما نوع ترمیم را مقایسه کنید، بعد انتخاب

« ضمناً دارای انواع مدل های کلاه گیس »

برای کسب اطلاعات و مشاوره از ساعت ۹ صبح الی ۱۳

و ۳ تا ۶ بعد از ظهر مراجعه فرمایید.

تهران - خیابان شهید بهشتی (عباس آباد)  
میدان تختی، خیابان مهنار (سارویچی)  
نهبش کوچه دهم، شماره ۸۰، طبقه دوم  
تلفن: ۸۹۰۴۱۳۶ - ۸۷۶۷۹۷۲  
فکس: ۸۷۵۷۱۳۴

مطابق ماده ۴۱ قانون کار هر ساله شورای عالی کار موظف می باشد که با توجه به نرخ تورم و با در نظر گرفتن مسائل و مشکلات شرکت ها و وضعیت معیشت کارگران در مورد نرخ افزایش حداقل دستمزد کارگران تصمیم گیری نماید. معیار افزایش حداقل دستمزد بر اساس نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی و بانرخ تورم سبب مصرفی متوسط خانوار کارگری که کالاهای مصرفی و عمده را در بر دارد، می باشد. در جلسات شورای عالی کار نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت با درصدی مشخص موافقت می کنند و به صورت بخشنامه سالانه تهیه و تصویب می گردد و با امضاء وزیر کار در اختیار افراد، شرکت ها و سازمان هایی که تابع قانون کار می باشند، قرار می گیرد و موظف و مکلف می گردند که طبق این بخشنامه افزایشات را در حقوق و دستمزد کارگران خود اعمال نمایند و هیچ شرکتی و هیچ کارفرمایی نمی تواند کمتر از حداقل دستمزد اعلام شده در این بخشنامه با رعایت موازین قانونی به کارگران خود حقوق پرداخت نماید.

در طی سال های ۷۸-۱۳۵۷ نهاد های کارگری در بازار ایران عامل بروز انعطاف پذیری در دستمزدها نبوده اند. در قانون تصریح شده که حداقل دستمزد، همه ساله از طریق مذاکرات سه جانبه، با توجه به هزینه زندگی یک خانوار کارگری تعیین گردد. ولی با توجه به وضعیت رکود حاکم بر اقتصاد کشور طی دهه گذشته، حداقل دستمزد عمدتاً با توجه به ترکیبی از ملاحظات

بدین ترتیب حداقل دستمزد واقعی روزانه در فاصله سال‌های ۷۷-۱۳۵۷ یا سالانه حدود ۴۸ درصد کاهش از ۴۶۴ به ۲۲۶ ریال تنزل نمود. به همین جهت اضافه‌کاری‌های طولانی و اشتغال همسر به کارهای درآمدزا، برای تأمین بخشی از هزینه‌های زندگی در اغلب خانواده‌های کارگری ضروری گردید.

در جلسه اول تعیین حداقل دستمزد در سال ۸۲، نماینده کارگری افزایش ۲۰ درصد در حداقل دستمزد را مطرح نمود، در حالی که نماینده کارفرمایان پیشنهاد ۱۵ درصد و نماینده دولت ۱۷ درصد را ارائه کردند، هیچ‌کدام از طرفین مذاکره نیز حاضر به تغییر پیشنهاد خود نشده و جلسه بدون نتیجه به پایان رسید. استدلال کارگران برای افزایش ۲۰ درصد حداقل دستمزد، افزایش حجم نقدینگی به میزان ۴۵ درصد، به طور متوسط افزایش ۲۰ درصد قیمت در کالاها، عمده مصرفی، تضعیف ارزش پول ملی و عدم توان پرداخت عنوان گردید. پس از این جلسه، قرار بر این گذاشته شد که نماینده کارگر و کارفرما در طی جلساتی به توافق مورد نظر رسیده با حضور نماینده دولت نرخ و راه به صورت نهایی اعلام نمایند. در جلسه ای که بدون حضور نماینده دولت تشکیل گردید، دو طرف به نرخ ۲۶ درصد افزایش برای حداقل دستمزد و ۱۷/۵ درصد برای متوسط دستمزد کارگری به توافق رسیدند. ولی پس از این جلسه، کانون عالی کارفرمایان انتخابات جدید خود را انجام داده و هیأت مدیره جدید به توافق قبلی راه رسمیت نشناختند.

سرانجام در جلسه مورخ ۸۱/۱۲/۲۷ در ۲۲ درصد افزایش حداقل دستمزد و ۱۶/۷۵ درصد افزایش برای سایر سطوح دستمزد به توافق رسیدند. این در حالی می‌باشد که نرخ تورم پیش بینی شده توسط بانک مرکزی برای سال ۸۲، حدود ۳۲ درصد می‌باشد و اگر حداقل دستمزد ۲۰ درصد افزایش می‌یافت کارگران در همان نقطه‌ای که در سال ۸۱ بودند، قرار می‌گرفتند یعنی به قدرت خرید آنها چیزی اضافه نمی‌شد. بهال با این توافق در واقع قدرت خرید کارگران با توجه به نرخ تورم کاهش خواهد یافت.

مسئله قابل توجه این است که همانند سال قبل حداقل دستمزد بر اساس نرخ تورم تخمین زده شده، توسط بانک مرکزی تعیین گردید و وزارت کار هیچ سبب مصرفی برای خانوار کارگری ارائه نکرد و حتی این امکان وجود دارد که نرخ تورم سبب مصرفی خانوار بیش از مقدار ذکر شده افزایش یابد.

در گفتگویی که در این مورد با آقای جوادی رحیم پور، از اعضای سرویس اقتصادی نشریه توقیف شده ایران فردا، و دبیر اقتصادی روزنامه توقیف شده گلستان ایران صورت گرفت به نکات قابل توجهی اشاره شد که در زیر آمده است.

تعیین حداقل دستمزد کارگران بر اساس قانون عرضه و تقاضای نیروی کار صورت نمی‌گیرد، بلکه با توجه به ظرفیت نیروی کار مشخص می‌شود. بی‌کاری فراوان باعث کاهش سطح دستمزد کارگران گردید و حداقل معیشت را تأمین می‌نماید، برآوردی که در مورد نرخ حداقل دستمزد صورت می‌گیرد نه تنها با یک روش علمی انطباق ندارد، بلکه با خط فقر هم تفاوت بسیار زیادی دارد. عملاً سطح دستمزد تنها می‌تواند حداقل ۶۰ درصد خط فقر را پوشش دهد و این امر باعث تشدید دامنه فقر و کاهش سطح رفاه عمومی می‌شود. در حال حاضر حدود ۵۰ درصد از نیروی کار زیر خط فقر زندگی می‌کنند که اگر دستمزدهای واقعی کارگران به آنها پرداخت می‌شد این وضعیت وجود نداشت.

کلی  
شماره ۱۴۴ - اردیبهشت ۱۳۸۲



نکته دیگری که ایشان در مورد تعیین حداقل دستمزد مطرح نمودند، مربوط به فراوانی کارگران نیمه ماهر و بی تخصص می‌باشد که بیشترین ضرر را در این موضوع می‌بینند. کارگران متخصص بخش خصوصی وضعیت مالی بهتری داشته و با توافقی که با کارفرما انجام می‌دهند بیشتر از میزان دستمزد تعیین شده دریافت کرده و حداقل می‌توانند تا سطح فقر را پوشش دهند.

مسئله مهم دیگری که مطرح شد، خروج کارگاه‌های زیر پنج نفر از قانون کار می‌باشد که فشار مضاعفی بر کارگران وارد کرده و این میزان حداقل دستمزد در مورد آنها رعایت نمی‌شود و کارگران شاهد فشارهای معیشتی بیشتری می‌باشند. قانون کار نتوانسته حداقل دفاعی برای تأمین حداقل معیشت کارگران نماید، به طور حتم باید در قانون، خط فقر در نظر گرفته شود تا کارگران از گسترش فقر و تورم نجات یابند.

موضوع قابل توجه دیگر از نظر این کارشناس اقتصادی در قانون کار این است که جهت بهبود و جبران دستمزد کارگران بین‌هایی توزیع می‌گردد که عملاً یک شکل صوری داشته و در اکثر کارگاه‌ها پرداخت نمی‌گردد.

با توجه به این نکته که کارگران یکی از ارکان تولید در کشور به حساب می‌آیند و هر نوع آسیب‌های اجتماعی، ناکارآمدی فزاینده‌ای را در روند تولید کشور ایجاد می‌نماید، این امر اخراج کارگران توسط کارفرمایان را تسهیل کرده و می‌تواند با مبلغ ناچیزی کارگر جدید را جذب نماید.

مورد قابل توجه دیگری که آقای رحیم پور به آن اشاره داشتند این بود که دولت با بحران سرمایه‌گذاری روبه‌رو است، بنابراین نمی‌تواند میانجی بی طرفی در این مساله باشد. از یک طرف مجبور است برای ادامه سرمایه‌گذاری با توجه به بحران‌های صنعت، در عمل طرف کارفرمایان را بگیرد و از طرف دیگر زیان‌های انباشته شده پنهانی را در رابطه با واقعی نکردن دستمزدها پرداخت کند که در این صورت ساختار اقتصادی ایران متزلزل خواهد شد.

آقای دکتر شاکری، رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، در توضیح کوتاهی درباره این موضوع، کارگران ایران را به دو دسته سازمان یافته و سازمان نیافته تقسیم می‌کند. کارگران سازمان یافته توسط وزارت کار یا خانه کارگر سرپرستی می‌شوند و قدرت چانه‌زنی بر سر دستمزد خود را دارند ولی کارگران سازمان نیافته، که کارگران ساختمانی و کشاورزی می‌باشند قدرتی ندارند و وضعیت نامشخص و بدتری دارند. دستمزد کارگران سازمان یافته همبستگی مثبت و بالا دارد، اگر دستمزدهای کارگران رسمی افزایش یابد، به ناچار دستمزد کارگران غیر رسمی هم افزایش می‌یابد البته نه به همان اندازه.

مسئله بسیار اساسی که آقای فرهاد مؤمنی، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی در این مورد مطرح می‌نماید این است که در زمان تدوین قانون کار در ایران نظام کامل تأمین اجتماعی و هیچ ایده‌ای برای آن وجود نداشت. بنابراین با وجود این که قانون کار باید در اصل مسائل و روابط کار و تولید را وجهه همت خود قرار دهد، تحت الشعاع تأمین اجتماعی قرار گرفته است. ملاحظات تأمین اجتماعی سایه سنگینی بر قانون کار دارد و ملاحظات بهره‌وری را کاملاً تحت الشعاع قرار داده که مهم‌ترین عارضه این مساله آن است که پایداری اقتصاد را مورد تهدید قرار می‌دهد. ملاحظات

کاهش چشمگیر دستمزدهای واقعی مشاهده نمی‌گردید. بنابراین دولت، صرفاً بر اساس ملاحظات سیاسی و اقتصادی و در جهت ممانعت از تشدید نابرابری در توزیع درآمد، حداقل دستمزد اسمی را بنا بر صلاحدید خود افزایش داده و نوسانات حداقل دستمزد متوسط دستمزد در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، تحت تأثیر عواملی مانند قانون حداقل دستمزد و فشار تشکلهای کارگری نبوده است. مکانیزم بازار در شرایط رکودی نیز بر کاهش دستمزدهای واقعی مؤثر بوده است. بنابراین طی دو دهه گذشته در ایران دستمزد از انعطاف پذیری نسبی برخوردار بوده است. در پایان لازم است به این نکته اشاره شود که وزارت کار علی‌رغم شعارهای سه جانبه‌گرایی در عمل منطقی، مؤثر و فعال ظاهر نشده و در نتیجه فعالیت‌های نمایندگان کارگران و کارفرمایان بسیار دیر شروع و به نتیجه رسید. لازم است در مورد تصمیم‌گیری درباره حداقل دستمزد در سال ۸۲ دولت فرایندهای مشارکت جویانه خود را سریع‌تر انجام داده تا فرصت لازم برای طرفین جهت نظام‌بندی منطبق‌های خود فراهم گردد تا شاهد تعیین حداقل دستمزد در آخرین روزهای سال نباشیم. و بالاخره این مساله هم چنان مطرح می‌باشد که نظام تعیین حداقل دستمزد کارگران مبنای منطقی و علمی نداشته و امید است هر چه سریع‌تر کارشناسان و برنامه‌ریزان اقتصادی کشور این مساله را در اولویت کاری خود قرار دهند.

انسانی و تأمین حداقل‌ها، بر اساس تأمین اجتماعی می‌باشد. با وجود این که سه سال از قانون برنامه سوم توسعه می‌گذرد، ولی هنوز نظام تأمین اجتماعی مشخصی ایجاد نشده است، و ملاحظات زودگذر و کوتاه مدت بر حداقل دستمزد‌ها سبب پدید آمدن می‌کنند. در عین حال نمایندگان کارگران هم با توجیه منطقی هم چنان دغدغه‌های تأمین اجتماعی را در مزد جستجو می‌کنند که این امر باعث می‌گردد در پیش برد توسعه صنعتی و اقتصادی با مشکل بسیار جدی روبرو شویم.

ایشان در ادامه بحث، این موضوع را مطرح می‌نمایند که کارفرمایان خود را به اندازه کارگران محق دانسته و در مقابل کارگران مقاومت کرده و می‌خواهند مزد بر اساس بهره‌وری تعیین گردد. کارگران هم همچنان از طریق دستمزد می‌خواهند مطالبات خود را مطرح سازند. بنابراین یک کانون نزاع و خسارت بار در اقتصاد ایران ایجاد شده است که باید در مهم‌ترین اولویت‌های دولت قرار گیرد تا تکلیف این مساله را روشن نماید.

نکته دیگری که از نظر ایشان دولت باید به آن توجه نماید این است که به طور کلی سهم دستمزدها در کل هزینه‌های بنگاه‌های تولیدی در ایران بالا نمی‌باشد. دولت نباید اجازه دهد که گروه‌های اجتماعی جوسازی غیرعادی انجام داده و مدار تصمیم‌گیری را تحت الشعاع قرار دهند. در عین حال باید به کارگران و اتحادیه‌های مستقل هم این آموزش داده شود که هر مشکلی را در جای خود حل نمایند. در غیر این صورت گرایش به سرمایه‌گذاری صنعتی تحت تأثیر قرار گرفته و بیشترین ضرر متوجه کارگران خواهد شد.

آقای مومنی یکی دیگر از کاستی‌های قانون کار را توجه بیش از حد آن به کارگاه‌های بزرگ می‌داند در حالی که بیش از ۹۷ درصد کارگاه‌های تولیدی کوچک و متوسط می‌باشند. مطالعات انجام شده در دهه ساله گذشته در مورد بازار کار ایران نشان داده شده است که نقش و سهم بخش غیررسمی در اشتغال ایران بالا می‌باشد و حجم و اندازه اقتصاد غیررسمی همواره رو به افزایش است. با وجود همه اختلاف نظرهایی که در تعریف بخش غیررسمی وجود دارد عموماً به این واقعیت اذعان دارند که بخش غیررسمی بالغ بر ۷۵ درصد فعالیت‌های سالم و مولد اقتصادی را انجام می‌دهد و به اعتبار حجم بسیار بالای معاملاتی در اقتصاد ایران به صورت غیررسمی باقی مانده‌اند. شرایط بقای این واحدها باید به عنوان یک دغدغه بسیار مهم برای سیاست‌گذاران قرار گیرد.

خانم زهراکریمی در پایان نامه دکترای خود با موضوع تأثیر نهاد های بازار کار ایران بر هزینه‌های مبادله، مطرح می‌نماید که علی‌رغم تصریح قانون کار در مورد لزوم توجه به نرخ تورم در محاسبه حداقل دستمزد، شوراهای اسلامی کار نسبت به کاهش حداقل دستمزد واقعی، نقش تعیین کننده دولت در تعیین حداقل دستمزد، و عدم تکا فوری حداقل دستمزد برای تأمین حداقل نیازهای خانوار کارگری مخالفت شدیدی ابراز نکرده‌اند. کارفرمایان نیز واقفند که عموماً آهنگ تغییر حداقل دستمزد با شتاب نرخ تورم برابری نمی‌کند. در عین حال وزارت کار در مورد واحدهای کوچک که از پرداخت حداقل دستمزد مفرط می‌روند، شدت عمل به خرج نمی‌دهند.

از نظر ایشان هر چند نقش دولت را در ممانعت از کاهش دستمزد در شرایط رکود نسبی بر اقتصاد کشور نباید ندیده گرفت ولی چنانچه قانون نظارت تشکلهای کارگری به درستی اعمال می‌شد، طی دو دهه گذشته

**بعد از مقایسه حتما ما را انتخاب خواهید کرد**

**IATA**

**نمایندگی فروش کلیه بلیت‌های داخلی و بین‌المللی - عضو IATA**

**NILGOON TOUR & TRAVEL Agency**

**معتبر ما ۳۳ سال تجربه است**

- برگزارکننده تورهای اروپایی و آسیایی و خاور دور با برترین سرویس
- اجرای تورهای داخلی بصورت انفرادی و گروهی
- رزروشن کلیه هتل‌های ۴ و ۵ ستاره در ایران و جهان
- اجرای تورهای زیارتی و سیاحتی و تفریحی در کلیه نقاط ایران
- خدمات ویژه جایگاه تشریفاتی CIP (میهمانان ورودی و خروجی)
- اخذ ویزای ورودی به ایران برای میهمانان خارجی
- اخذ ویزای دبی (فوری - عادی) ویزای سوریه - ویزای ناپلند و اکراین

نشانی: تهران، خیابان دکتر بهمنی، عباسی ۱۳۸  
 شماره تماس: ۰۲۱-۸۷۳۸۵۱ | فاکس: ۸۷۳۷۲۹

کلیه شماره تماس: ۰۲۱-۸۷۳۸۵۱ - ۱۴۶ - ۱۳۸۷